



کشف حجاب

اولین زمینه فرهنگ بی‌حجابی را ناصرالدین شاه بعد از سفر فرنگ به دربار آورد و در پی آن رضاشاه با سفر به ترکیه و تحویل کمال پاشا و برگشت شاه به ایران به فکر افتاد که باید برای پیشرفت کشور بایستی حجاب را از سر زنان برداریم و چنین کردند به این بهانه که می‌خواهیم لباس متحدالشکل داشته باشیم.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - حجاب در دوره ناصرالدین شاه
- ۳ - زمینه‌های کشف حجاب توسط رضاخان
 - ۳.۱ - جوگیری رضاخان در ترکیه
 - ۳.۲ - تشکیل کانون برای رفع حجاب
 - ۳.۳ - فرهنگ کردن بی‌حجابی
 - ۳.۴ - حمایت از زنان بی‌حجاب
 - ۳.۵ - آماده‌سازی افکار عمومی
- ۴ - تاریخ علمی کشف حجاب
 - ۴.۱ - پیش‌آمدهای کشف حجاب
- ۵ - ضرورت رفع حجاب از نظر رضاخان
- ۶ - عوامل گسترش کشف حجاب توسط شاه
- ۷ - اعتراضات روحانیون در کشف حجاب
 - ۷.۱ - حادثه کشف حجاب در قم
- ۸ - پانویس
- ۹ - منبع

معرفی اجمالی

حجاب از ضروریات اسلام است. فقهای شیعی، بلکه همه علمای دین از صدر اسلام تاکنون، با توجه به دلایل نقلی (آیات و روایات) و عقلی، به وجوب حجاب، حکم کرده و آن را از احکام مسلم و ضروری اسلام دانسته‌اند

[۱] نور/سور ۲۴، آیه ۳۱.

[۲] نور/سور ۲۴، آیه ۵۸.

[۳] احزاب/سور ۳۳، آیه ۵۹.

آیات و روایات متعدد دیگر... و در تشریح دلیل‌ها و حکمت آن رساله‌ها و کتاب‌های فراوانی نگاشته‌اند. برخلاف پندار برخی از روشنفکران سکولار، حجاب در ایران باستان و دیگر ملل گوناگون جهان، پیش از اسلام نیز وجود داشته است. به گفته "ویل دورانت" حجابی که در میان قوم یهود وجود داشته خیلی سخت‌تر از اسلام بوده است. در میان یهودیان اگر زنی به نقض قانون می‌پرداخت و یا با مردان نامحرم به گفتگو می‌نشست و یا در خانه خود صدایش را طوری بلند می‌کرد که همسایگان می‌توانستند آن را بشنوند، مرد حق داشت بدون مهریه او را طلاق دهد.

[۴] ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، انتشارات هنرهای زیبا، ۱۳۴۳، ج ۱۲، ص ۳۰.

در ایران باستان نیز زنان دارای حجاب بوده‌اند. ویل دورانت در این‌باره می‌گوید: «در ایران باستان معمولاً زنان در اندرون خانه بودند و مخفی نگه داشته می‌شدند».

[۵] ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، انتشارات هنرهای زیبا، ۱۳۴۳، ج ۱۲، ص ۳۰.

حجاب در دوره ناصرالدین شاه

در روزگار صفویه، زنده و قاجار به، قاجار حجاب رسمی به شمار می‌آمد. از زمان "ناصرالدین شاه" در پی توجه او به فرهنگ تغییراتی در نوع پوشش زنان درباری به وجود آمد و دامن‌های کوتاه متداول شد و بی‌حجابی در میان برخی از خانواده‌های اشراف رسوخ کرد و در روزگار مشروطیت روشنفکران غرب‌زده با الگوگیری از غرب بحث بی‌حجابی را مطرح کردند و حجاب را مخالف تمدن و تجدد شمردند.

[۶] آمیت، فریدون، اندیشه‌های آقاخان کرمانی، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۷، ص ۱۹۵.

[14] آمیت، فریدون، اندیشه‌های آقاخان کرمانی، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۷، ص ۱۹۴.
تا اینکه در **تاریخ معاصر** ایران، «**قره‌العین**» وابسته به بابیه، اولین زنی بود که پوشش خود را برداشت. «**تاج‌السلطنه**» دختر ناصرالدین شاه و «**صدیقه دولت‌آبادی**» نیز از پیشگامان رفع حجاب هستند.

[15] مجله‌ی زن روز، ش ۱۹۹، سال ۴۷، شنبه ۱۴ دی ماه، ص ۵۱.

زمینه‌های کشف حجاب توسط رضاخان

رضاخان به کمک جریان وابسته روشنفکری، تمام تلاش خود را در تغییر لباس ملی بکار گرفت و به عنوان لایس متحدالشکل، مردم را مجبور به تغییر لباس و کلاه نمود، حتی لباس **روحانیت** را ممنوع و منوط به اخذ **اجازه** نمود. **سفر** رضاخان به **ترکیه** که در آن هنگام به وسیله «**تمام مصطفی پاشا**» (آتاتورک) عرصه تلخت و تاز فرهنگ غرب قرار گرفته بود و **فرهنگ اسلامی** با زور از صحنه زندگی مردم خارج می‌شد، یکی از توطئه‌های روشنفکران وابسته بود تا رضاخان نافهم، تحت تاثیر قرار گرفته و در تغییر ماهیت ملی و اسلامی مردم ایران تلاش بیشتری بنماید. نقل شده: «**محمدعلی فروغی**» مدتی سفیرکبیر ایران در ترکیه بود. در آن منت بین او و «کمال آتاتورک» رئیس جمهور و «عصمت اینونو» نخست وزیر و سایر مقامات ترکیه، روابط بسیار حسنه‌ای ایجاد شده بود، به طوری که در تمام مدت، او مورد **مشورت** مقامات ترکیه قرار می‌گرفت. مراد از این نزدیکی این بود که شاه از نزدیک با مظاهر تمدن اروپا، که به وضع شایانی در ترکیه رواج یافته بود، آشنا شود و بعد به عنوان سوغات، قسمتی از آن تمدن را در ایران پیاده نماید.

رضاشاه روز دوازدهم خرداد ۱۳۱۳ عازم ترکیه شد. مدت مسافرت شاه در ترکیه چهل روز به طول انجامید و کمال آتاتورک از شاه ایران تجلیل شایسته‌ای کرد. رضاشاه وقتی که به ایران بازگشت تصمیم گرفت، ایران را از لحاظ ظاهر به پای ترکیه برساند. تغییر کلاه، کشف حجاب، تاسیس دانشگاه، تمام اینها سوغات ترکیه بود. فروغی با **مهارت** خاصی موفق به انجام خواسته‌های خود شد، بدون اینکه شخصاً قنمی برداشته باشد.

[16] هدایت، مهدی قلی خان (فخرالسلطنه)، خاطرات و خطرات، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۷، ص ۴۰۴.

فروغی خود مجدداً رئیس‌الوزراء رضاخان شد و نتایج سفر رضاخان به ترکیه را پی گرفت.

«محرز» **اعتراض** می‌کند که: «ایران پس از ترکیه دومین کشور مسلمانی بود که رسماً **حجاب** را ممنوع ساخت»

[17] ماموریت برای وطن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتب، ۱۳۵۰، ص ۴۶۷.

← جوگیری رضاخان در ترکیه

رضاشاه در این منت با همه زوایای غربگرایی و شیوه زودن ارزش‌های ملی و اسلامی رژیم آتاتورک آشنا شد و وقتی به ایران بازگشت تصمیم گرفت که ایران را به پای ترکیه برساند. «مخبرالسلطنه» که از سال ۱۳۰۶ تا ۲۲ شهریور ۱۳۱۳ به مدت شش سال نخست‌وزیر رضاشاه بود می‌نویسد: «فکر تشبه به اروپا از آن (ترکیه) بر سر پهلوی آمد»

[18] هدایت، مهدی قلی خان (فخرالسلطنه)، خاطرات و خطرات، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۷، ص ۴۰۵.

به هنگام حضور شاه در ترکیه، او از مدرسه‌ی دخترانه در **آنکارا** به نام عصمت پاشاه دیدن کرد. در آن مدرسه دختران بی‌حجاب هنگام ورود شاه با کف زدن‌های ممتد، مقم او را گرمی داشتند.

[19] صلاح، مهدی، کشف حجاب، زمینه ما پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷ به نقل از روزنامه‌ی اطلاعات شماره ۲۲۳۳.

رضاشاه پس از این دیدار به سفیرکبیر ایران، «مستشارالدوله صالح» می‌گوید: «هنوز عقب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم خصوصاً زنان اقدام کنیم».

[20] مکی، حسین، تاریخ بیست ساله‌ی ایران، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۵۷.

← تشکیل کانون برای رفع حجاب

تشکیل کانون بانوان، به ریاست افتخاری «شمس پهلوی» و بانو «هاجر تربیت» بود، که اینان - در سخنرانی‌های خود که در دانشسرای مقدماتی برگزار شد - حل همه مشکلات و بدبختی‌های زنان را در رفع حجاب می‌دانستند.

[21] استاد ملک، فاطمه، حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، سال ۱۳۶۸، ص ۱۲۲.

در جلسه کانون بانوان که بیشتر در حضور دختران رضاشاه (شمس و اشرف) تشکیل می‌شد، مشکلات مربوط به عدم پذیرش جامعه برای ترک حجاب مورد بررسی قرار می‌گرفت و تصمیمات لازم اتخاذ می‌شد. این کانون‌ها از شهرهای مهم از جمله **اصفهان** دارای شعبه گردید تا به پندار دست‌اندرکاران کشف حجاب، زنان را با اصول شرقی و مدنیت غربی آشنا سازند.

[22] صلاح، مهدی، کشف حجاب، زمینه ما پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشی، ۱۳۸۴، ص ۱۲ به نقل از روزنامه‌ی اطلاعات شماره ۲۲۳۳.

افزون بر عوامل یاد شده، روزنامه‌ها و مجله‌های زنانه از جمله زبان زنان به مدیریت «صدیقه دوست‌آبادی» در اصفهان و تهران، نام بانوان به مدیریت «شهناز آزاد» و مجله جهان زنان به سردبیری «فخرآملق پارسا» در **مشهد** و تهران و از همه مهمتر مجله «عالم نسا» به مدیریت «نوابه صفوی» و... از عوامل بسترسازی و زمینه‌سازی کشف حجاب بودند. این مجله‌ها نیز حجاب را سر راه ترقی و پیشرفت معرفی کرده و به رفع حجاب **تشویق** می‌کردند.

[23] هاشمی صدر، محمد، تاریخ جراید و مجلات در ایران، اصفهان، انتشارات کمال، ۱۳۶۳، ج ۴-۳، ص ۶.

[24] هاشمی صدر، محمد، تاریخ جراید و مجلات در ایران، اصفهان، انتشارات کمال، ۱۳۶۳، ج ۴-۳، ص ۱۶۹.

[25] بامراد، بدر الملوک، زن ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷، ص ۵۰.

[26] بامراد، بدر الملوک، زن ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷، ص ۵۸.

← فرهنگ کردن بی‌حجابی

گسترش مدارس دخترانه به شیوه ارزیابی از عوامل دیگر بود که توسط مبلغان مسیحی پایه‌گذاری شد و بعدها به وسیله برخی از بانوان غربگرا و متجددگسترش یافت.

[27] صلاح، مهدی، کشف حجاب، زمینه ما پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱، به نقل از روزنامه‌ی اطلاعات شماره ۲۲۳۳.

در این مدارس کشف حجاب را به دانش‌آموزان به عنوان یک فرهنگ می‌آموختند و در این مدارس از حجاب نگوشت و بی‌حجابی را ستایش می‌کردند و دختران نیز صف منظم و آراسته‌ای تشکیل می‌دادند و سرودها می‌سرآیدند و سپس به دروس در حضور وزیر معارف «علی اصغر حکمت» می‌پرداختند.

[28] صلاح، مهدی، کشف حجاب، زمینه ما پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲ به نقل از روزنامه‌ی اطلاعات شماره ۲۲۳۳.

← حمایت از زنان بی‌حجاب

یکی از سفرنامه نویسان خارجی که در سال ۱۳۱۲ مشغول یادداشت مسائل مربوط به ایران بوده است، می‌نویسد: «می‌گویند: حدود دو سال پیش شاه دستور داده بود، تمام کسانی که می‌توانند چادرشان را از سرشان بردارند

[۲۲] بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۳۱.

[۲۳] بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۸۵.

و نیز به گفته وی به گونه‌ای سری و محرمانه توافق شده بود که اگر زنی مایل باشد، بدون **چادر** بیرون بیاید، می‌تواند این کار را انجام دهد و اگر ملایی یا یک فرد عدلی ایجاد مزاحمت کند، شهربانی از این **زنان** حمایت می‌کند»

[۲۴] بمراد، بدر الملوک، زن ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷، ص ۹۱.

← آماده‌سازی افکار عمومی

این برنامه‌ها برای آماده‌سازی افکار عمومی، جهت تبدیل طرح کشف حجاب به یک قانون بود که در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۱۴ تصویب و به اجرا گذاشته شد. درست است که کشف حجاب اجباری در این زمان صورت گرفته بود؛ ولی زمینه‌های آن از پیش فراهم شده بود.

محمدرضا شاه می‌گوید: «پدرم بعداً به رفع حجاب زنان اقدام کرد و در اثر تشویق و تحریص وی در سال ۱۳۰۹ برای نخستین بار، بانوان طبقه اول در خانه‌های خود در مجالس مهمانی، به لباس زنان اروپایی درآمدند و عده کمی هم جرئت کردند، بدون حجاب در خیابان‌ها ظاهر شوند. در سال ۱۳۱۳ آموزگاران و دختران دانش‌آموز از داشتن حجاب ممنوع شدند.

[۲۵] ماموریت برای وطنم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتب، ۱۳۵۰، ص ۴۴۴.

تاریخ علنی کشف حجاب

برای برداشتن حجاب بانوان، مجالس جشن و سخنرانی‌هایی ابتدا در تهران و شهرهای شمال ایران و سپس به تدریج در سایر شهرها برقرار می‌گردید؛ ولی پیشرفت زیادی نداشت و اکثریت مردم نه تنها استقبالی نمی‌کردند، بلکه با نظر **تنفر** می‌نگریستند تا روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ که شاه به اتفاق ملکه و شاهخت‌ها به دانشسرای عالی رفتند تا شاه گواهینامه فارغ‌التحصیلان را به دست خود دانشجویان بدهد و این روز را برای زنان روز ترقی و پیشرفت و **سعادت** برای خدمت به کشور بنامند.

[۲۶] حکایت کشف حجاب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵.

← پیش‌آمدهای کشف حجاب

بلافاصله بعد از مراسم ۱۷ دی در **تهران** دو امر پیش آمد که یکی به **افراط** و دیگری به **تفریط** بود. از یک طرف بعضی از زن‌های معلوم‌الحال به کافه‌ها و رقص‌خانه‌ها هجوم آورده و در نظر جوانان بوالهوس به **رقص** پرداخته و با آن جوانان به انواع رقص‌های معمول فرنگستان، مشغول دست‌افشانی و پایکوبی شدند و از طرف دیگر مامورین شهربانی و پلیس‌ها در تهران، فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها در شهرها و قصبه‌ها و مملکت برحسب دستور وزارت کشور به زنان، بی‌خبر مزاحم شده و آنها را به **اجبار** وادار به کشف حجاب می‌کردند، حتی چادر و نقاب آنان را پاره می‌کردند.

[۲۷] کشف حجاب، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

دیگر اینکه در طول سخنرانی شاه، بعضی از بانوان چنان از بی‌حجابی خود ناراحت بودند که رو به دیوار ایستاده و روی خود را بر نمی‌گرداندند و از **گریه** خود نمی‌توانستند، جلوگیری نمایند. (این هم رفع حجاب اجباری) از فردای آن روز، بر سر کردن چادر در خیابان‌های تهران ممنوع گردید.

[۲۸] استاد ملک، فاطمه، حجاب و کشف حجاب در ایران، ص ۱۴۷.

ضرورت رفع حجاب از نظر رضاخان

غالباً مطالبی که در ضرورت رفع حجاب از سوی شاه و اطرافیان تحت عناوین متعدد از جمله **نهیض آزادی** زنان مورد تاکید قرار می‌گرفت، این بود که وجود حجاب اولاً، خلاف **تمدن** ثانیاً، خلاف **قانون طبیعت** و ثالثاً سبب عدم حضور **زن** به عنوان نیمی از مردم جامعه در عرصه کار می‌شود. مخبرالسلطنه هدایت که خود بیش از شش سال و سه ماه به عنوان رئیس‌الوزراء در خدمت رضاشاه بود، در خاطرات خود سه اصل یاد شده را این گونه تحلیل می‌کند: (در این اوقات سال‌ها بعد از تصویب تغییر لباس ۱۳۰۷) روزی به شاه عرض کردم، تمدنی که آواز هاش عالمگیر است دو تمدن است؛ یکی نظاهرات در بولوارها، یکی تمدن ناشی از لابراتورها، تمدنی که مفید است و قابل تقلید، تمدن ناشی از لابراتورها و کتابخانه‌ها است. گمان کردم به این عرض من توجهی فرمودند؛ آثاری که بیشتر ظاهر شد، تمدن بولوارها بود که به کار لاله‌زار می‌خورد و مردم بی‌بندوباری خوستار بودند».

[۲۹] مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۵۸.

در جای دیگر ضمن **استنوا** روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ در مورد نقش زن ایرانی در اقتصاد کشور می‌نویسد: «۱۷ دی روز ورود به صحنه تمدن است، مملکت را آوازه تمدن و ترقی فرا گرفته است. آنان که مشغول خانهداری بودند به عرصه و لنگاری قدم نهادند. در هیچ جای و نیازی به قدر ایرانی کار نمی‌کرد و نمی‌کند، در شهرها و روستاها زن علاوه بر کارخانهداری بزرگترین کمک را به **اقتصاد** مملکت می‌کند. قالی، گیلیم، جاجیم، اغلب از زیر دست زن بیرون می‌آید یا دخترها».

[۳۰] مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۶۱.

از عواملی که در گسترش بی‌حجابی نقش داشت، حمایت رضاشاه از زنان بی‌حجاب بود. این نکته هم خواست دولت‌مردان داخلی بود و هم به گفته مخبر السلطنه خواست دولت‌های خارجی.

[۳۱] بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۸۴.

[۳۲] بامراد، بدر الملوک، زن ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷، ص ۹۱.

بنا به گفته "بدر الملوک بامراد" رضاشاه پیش از اعلام رسمی کشف حجاب به پلیس دستور داده بود که از زنان بی‌حجاب حمایت کند.

[۳۳] صلاح، مهدی، کشف حجاب، ص ۱۱۵، به نقل از مجله زن روز، شماره ۱۹۹، سال ۴۷، شنبه چهاردهم دی ماه.

بنا به اظهار دبلی تلگراف، حضور تحصیل‌کردگان ایران در خیابان‌های تهران با زن‌های اروپایی خود که لباس اروپایی پوشیده بودند، فوق‌العاده چشمگیر بود و همین عاملی شد که زنان متجدد و اشراف در معابر عمومی بتوانند از لباس‌های اروپایی و رفع حجاب استفاده کنند.

[۳۴] صلاح، مهدی، کشف حجاب، ص ۱۲۰، به نقل از مجله زن روز، شماره ۱۹۹، سال ۴۷، شنبه چهاردهم دی ماه.

از عوامل دیگر که در گسترش بی‌حجابی نقش داشت آزادی اقلیت‌های مذهبی بود، زنان **ارمنی** و **زرتشتی**، **اجازه** داشتند، آزادانه لباس بپوشند. برابر گزارش نظمیه مازندران در خرداد ۱۳۰۹ رفت و آمد یک زن بی‌حجاب **کلیمی** در معابر مورد **اعتراض**، **علما** واقع شده بود و حکومت مازندران در این زمینه از عمل این زن پشتیبانی کرد و اعتراض علما را وارد ندانست و اعلام کرد که زنان کلیمی در کشف حجاب آزادند.

[۳۵] بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۹۱.

اعضای خانواده سلطنتی نیز در این نمایش نقش اساسی داشتند. شاهخت و ماهدخت دختران بزرگ شاه به فرمان **پیر چادر** از **سیر** برداشتند و با همراهان سوار بر **اسب** در خیابان‌های تهران گردش می‌کردند.

[۳۶] بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۹۲.

[۳۷] بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۹۱.

اعتراضات روحانیون در کشف حجاب

به دلیل ریشه‌دار بودن تفکرات دینی و حضور طولانی مدت **مذهب** در ایران، **سیاست** اسلام‌زدایی با مقاومت اجتماعی مواجه شد و در پی اجرای مقدمات طرح کشف حجاب، نخستین واکنش را علمای شیراز بروز دادند. علما پس از دریافت گزارش از چگونگی برگزاری مراسم جشن در مدرسه دخترانه شیراز تصمیم گرفتند، مخالفت خود را بیان کنند تا از اعمال مشابه در سایر نقاط ایران جلوگیری شود. آنها طی تلگرافی به شاه اعتراضت رسمی خود را اعلام کردند.

[۳۸] حیدریان، فاطمه، کشف حجاب به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۷۷-۷۶.

[۳۹] حکایت کشف حجاب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۲.

[۴۰] حکایت کشف حجاب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۳.

و شاه هم بی‌توجه به پاسخ علما، اقدامات جدی خود را پی‌گیری کرد. پس از علمای شیراز و اعتراضت پراکنده روحانیون در مناطق دیگر، روحانیون **مشهد**، شدیدترین اعتراض‌ها را نسبت به اجرای این طرح بیان کردند و در اعتراض وسیع به این اقدام ضد اسلامی، در **مسجد گوهر شاد** خواستار رسیدگی به وضعیت ایجاد شده و توضیح دولت شدند. خبر این تجمع عظیم به تهران رسید، شاه دستور متفرق ساختن مردم را به استاندار مشهد، بر طبق دستوری محرمانه صادر کرد، زمانی که مردم حاضر نشدند به اجتماع خود پایان دهند، از سوی فرمانده نظامیان، دستور حمله صادر شد و کشتار عظیمی در مشهد انجام شد که تا آن روز در ایران کم سابقه بود و از آن پس ارتش ابزار مهم و کارآمدی در دست شاه شد و در موارد مشابه برای جلوگیری از اعتراضت عمومی استفاده می‌شد.

[۴۱] حکایت کشف حجاب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۷۸.

[۴۲] استاد ملک، فاطمه، حجاب و کشف حجاب در ایران، ص ۱۴۵.

[۴۳] حکایت کشف حجاب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۲.

← حادثه کشف حجاب در قم

در **عید نوروز** سال ۱۳۰۶ رضاخا و خانواده‌اش به **زیارت** می‌روند (بدون حجاب کامل) با اینکه هنوز کشف حجاب نشده بود، در **حرم مطهر** حضور به هم می‌رسانند. این عمل و جسارت سبب **خشم** مردم می‌شود و روحانی‌ای به نام "واعظ" مردم را به **امر به معروف و نهی از منکر** فرا می‌خواند. این خبر به مرحوم **شیخ محمدتقی بافقی** (از روحانیون معظم قم) می‌رسد و ایشان نخست به خانواده رضاخا پیام می‌دهد که اگر **مسلمان** هستند نباید در این مکان با این وضع حضور یابند و اگر مسلمان نیستید، باز هم حق ندارید در این مکان حضور یابید. پیام مؤثر واقع نمی‌شود، مرحوم حاج شیخ محمدتقی شخصاً به حرم می‌آید و به خانواده رضاخا شدیداً اخطار می‌کند. این حادثه منجر به **قیام** مردم شد و رضاخا شخصاً با یک واحد موتوری به قم رفت و با چکمه وارد صحن مطهر شد و شیخ محمدتقی بافقی را مورد ضرب و شتم قرار داد. رضاخا از رئیس نظمیه، شیخ محمدتقی بافقی را مطالبه کرد و رئیس نظمیه اظهار کرد که او **فرار** کرده است. به محض اینکه این جمله را گفت، شاه با عصا به وی حمله کرد و او را مورد ضرب و شتم جدی قرار داد و دستور داد او را به زندان انتقال دهند.

[۴۴] فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات، ش ۳۷۳، ج ۱ ص ۱۱۰.

[۴۵] حکایت کشف حجاب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۷.

[۴۶] حکایت کشف حجاب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۸.

پانویس

۱. ↑ [نور/سور ۲۴، آیه ۳۱](#).

۲. ↑ [نور/سور ۲۴، آیه ۵۸](#).

۳. ↑ [احزاب/سور ۳۳، آیه ۵۹](#).

۴. ↑ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، انتشارات هنرهای زیبا، ۱۳۴۳، ج ۱۲، ص ۳۰.

۵. ↑ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، انتشارات هنرهای زیبا، ۱۳۴۳، ج ۱۲، ص ۳۰.

۶. [↑](#) آدمیت، فریدون، اندیشه‌های آقاخان کرمانی، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۷، ص ۱۹۵.
۷. [↑](#) آدمیت، فریدون، اندیشه‌های آقاخان کرمانی، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۷، ص ۱۹۴.
۸. [↑](#) مجله‌ی زن روز، ش ۱۹۹، سال ۴۷، شنبه ۱۴ دی ماه، ص ۵۱.
۹. [↑](#) هدایت، مهدی قلی خان (فخرالسلطنه)، خطرات و خطرات، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۷، ص ۴۰۴.
۱۰. [↑](#) ماموریت برای وطن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتب، ۱۳۵۰، ص ۴۶۷.
۱۱. [↑](#) هدایت، مهدی قلی خان (فخرالسلطنه)، خطرات و خطرات، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۷، ص ۴۰۵.
۱۲. [↑](#) صلاح، مهدی، کشف حجب، زمینه ما پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷ به نقل از روزنامه‌ی اطلاعات شماره ۲۲۳۳.
۱۳. [↑](#) مکی، حسین، تاریخ بیست ساله‌ی ایران، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۵۷.
۱۴. [↑](#) استاد ملک، فاطمه، حجب و کشف حجب در ایران، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، سال ۱۳۶۸، ص ۱۲۲.
۱۵. [↑](#) صلاح، مهدی، کشف حجب، زمینه ما پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشی، ۱۳۸۴، ص ۱۲ به نقل از روزنامه‌ی اطلاعات شماره ۲۲۳۳.
۱۶. [↑](#) هاشمی صدر، محمد، تاریخ جراید و مجلات در ایران، اصفهان، انتشارات کمال، ۱۳۶۳، ج ۴۳، ص ۶.
۱۷. [↑](#) هاشمی صدر، محمد، تاریخ جراید و مجلات در ایران، اصفهان، انتشارات کمال، ۱۳۶۳، ج ۴۳، ص ۱۶۹.
۱۸. [↑](#) بامراد، بدر الملوک، زن ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷، ص ۵۰.
۱۹. [↑](#) بامراد، بدر الملوک، زن ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷، ص ۵۸.
۲۰. [↑](#) صلاح، مهدی، کشف حجب، زمینه ما پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱، به نقل از روزنامه‌ی اطلاعات شماره ۲۲۳۳.
۲۱. [↑](#) صلاح، مهدی، کشف حجب، زمینه ما پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲ به نقل از روزنامه‌ی اطلاعات شماره ۲۲۳۳.
۲۲. [↑](#) بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۳۱.
۲۳. [↑](#) بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۸۵.
۲۴. [↑](#) بامراد، بدر الملوک، زن ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷، ص ۹۱.
۲۵. [↑](#) ماموریت برای وطن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتب، ۱۳۵۰، ص ۴۶۴.
۲۶. [↑](#) حکایت کشف حجب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵.
۲۷. [↑](#) کشف حجب، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۸. [↑](#) استاد ملک، فاطمه، حجب و کشف حجب در ایران، ص ۱۴۷.
۲۹. [↑](#) مکی، حسین، تاریخ بیست ساله‌ی ایران، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۵۸.
۳۰. [↑](#) مکی، حسین، تاریخ بیست ساله‌ی ایران، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۶۱.
۳۱. [↑](#) بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۸۴.
۳۲. [↑](#) بامراد، بدر الملوک، زن ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷، ص ۹۱.
۳۳. [↑](#) صلاح، مهدی، کشف حجب، ص ۱۱۵، به نقل از مجله زن روز، شماره ۱۹۹، سال ۴۷، شنبه چهاردهم دی ماه.
۳۴. [↑](#) صلاح، مهدی، کشف حجب، ص ۱۲۰، به نقل از مجله زن روز، شماره ۱۹۹، سال ۴۷، شنبه چهاردهم دی ماه.
۳۵. [↑](#) بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۹۱.
۳۶. [↑](#) بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۹۲.
۳۷. [↑](#) بصیر منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه، تهران، انتشارات عروج، ج ۶، ص ۱۹۱.
۳۸. [↑](#) حیدرین، فاطمه، کشف حجب به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۷۷-۷۶.
۳۹. [↑](#) حکایت کشف حجب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۲.
۴۰. [↑](#) حکایت کشف حجب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۳.
۴۱. [↑](#) حکایت کشف حجب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۷۸.
۴۲. [↑](#) استاد ملک، فاطمه، حجب و کشف حجب در ایران، ص ۱۴۵.
۴۳. [↑](#) حکایت کشف حجب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۲.
۴۴. [↑](#) فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات، ش ۳۷۳، ج ۱ ص ۱۱۰.
۴۵. [↑](#) حکایت کشف حجب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۷.
۴۶. [↑](#) حکایت کشف حجب، واحد تحقیقاتی مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۸.

منبع

سایت پژوهی، برگرفته از مقاله «کشف حجب»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۵/۰۷/۲۵.

رده‌های این صفحه: [تاریخ ایران](#) | [حکومت پهلوی](#) | [رضاشاه](#) | [کشف حجب](#) | [مقالات پژوهی](#)